

درآمد: از امیر کبیر به ناصرالدین شاه: امیر کبیر نامه هایی حاضر کرده که برای تک تک سرگردگان سپاه منصور (پیروز شده در سرکوبی حسن خان سالار) بفرستد. اما چون نامه ها زیاد و مشابه است، تنها چند تا را برای نظر شاه فرستاده است. ولی نامه های خطاب به محمد ناصر خان همه را برای شاه فرستاده است. کاغذهایی دیگر که برای شاه فرستاده، فرامین التفات است. همه را ابوالقاسم بیک به خراسان خواهد برد.

GIIA 111

هو

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم نوشتجات خراسان جمیعا تمام شد ابوالقاسم بیک امروز عصری انشاءالله روانه است کاغذهایی که به سرکردگان سپاه منصور به هر یک جدا جدا نوشته بود زیاد بود ملاحظه آنها مایه زحمت وجود اقدس همایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی روحی فدا. دو سه کاغذ از آن جور کاغذها به حضور اقدس ارسال شد که باقی دیگر هم از همان قرار مکشوف ضمیر منیر شود. ولیکن نوشتجاتی را که به نواب شاهزاده والاتبّار و مقرب الخاقان محمد ناصرخان نوشته بود یکجا به حضور مبارک فرستاد که به ملاحظه انظار مهر آثار همایون برسد. فرامین التفات هم ارسال شد که به دستخط و مهر همایون مزین گردد و زود انشاءالله تعالی ابوالقاسم بیک روانه شود. زیاده چه جسارت رود الامر الاقدس الاعلی مطاع

پانوشت: این نامه اشاره به جنگ داخلی با حسن خان سالار در خراسان دارد که نهایتا سرکوب شد. در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، حسن خان سالار والی خراسان بود که دعوی استقلال خراسان را داشت. این شورش سرکوب شد و حسن خان سالار، برادرش، محمد علی خان، و دو پسرش، امیر ارسلان خان و یزدان بخش دستگیر و در ۱۲۶۶ کشته شدند. همان سال الله یار خان، رئیس یکی از طوایف قلیچی و حاکم مستقل سبزوار و جوین هم به همراه پسرش، علی مراد، و نوه اش، سلیمان خان، در خراسان به سالار می پیوندند. ایشان نیز دستگیر می شوند و به تهران فرستاده می شوند. سلیمان خان جوینی آمده در این نامه، همین سلیمان خان است که برخی منابع نیز وی را نبیره ی الله یار خان و حاکم جوین خوانده اند. کلبعلی قاجار هم باید به همین سبب دستگیر و به تهران آورده شده باشد. نامه های زیادی در همین مجموعه به این واقعه و گزارش های آن اشاره دارند.

محمد ناصر خان: محمد ناصر خان دولو قاجار، ظهیر الدوله: پسر محمد ابراهیم خان سردار از امراء و بزرگان قاجاریه، در اواخر سلطنت محمد شاه به اتهام طرفداری از سالار به کرمان تبعید شد. پس از جلوس ناصر الدین شاه به تهران آمد ولی بیکار بود. در ۱۲۶۸ به منصب ایشیک آقاسی باشیگری و یک قبضه عصای مرصع مفتخر شد. در ۱۲۶۹ نیز همین سمت را داشت. بعد ها (۱۲۷۷) با در یافت لقب ظهیر الدوله به سمت پیشکاری و سرداری خراسان منصوب و به آنجا روانه گشت. در ۱۲۸۸ وزیر عدلیه و در ۱۲۹۲ استاندار خراسان بود.

The Ghani Collection at Yale